

آیا هر حاجتی را از هر نقطه از جهان از اهل بیت (ع) در خواست کنیم ، همان موقع می شنوند ؟

سؤال کننده : علی اکبر سلیمی

توضیح سؤال :

آیا حاجتی که در هر نقطه از جهان که هستیم و از پیامبران و امامان در خواست میکنیم همان موقع می شنوند یا این حاجتها به وسیله خداوند به آنها میرسد؟

مثلا در دو نقطه از این جهان و در یک زمان حاجتهایی در خواست میشود چطور میشود که امامان از این حاجت ها مطلع میشوند؟ چرا که این خداوند است که در همه جا است و نه کس دیگر.

پاسخ اجمالی :

آری ، در هر زمان و مکانی که از اهل بیت علیهم السلام طلب حاجت نماییم ، درخواست ما را می شنوند و به آن پاسخ می دهند و این مطلب با دلایل ذیل قابل اثبات است :

الف : عرضه شدن اعمال امت بر پیامبر اکرم

اعمال امت همواره بر رسول خدا و بعد بر امام زمان علیه السلام عرضه می شود و آن حضرت از تمامی اعمال ما آگاه است .

تعرض علی أعمالکم فما رأیت من فیر ممدت الله علیه وما رأیت من شر استغفرت الله لکم .

مجمع الزوائد ، الهیثمی ، ج ۹ ص ۲۴ .

ب : شاهد بودن پیامبر و ائمه بر امت:

طبق آیات و روایات فراوان ، رسول خدا و ائمه علیهم السلام ، شاهد بر اعمال امت هستند و اعمال همه را زیر نظر دارند و در روز قیامت یکی از شاهدان خواهند بود و بر طبق آنچه دیده اند ، شهادت خواهند داد .

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (الأنزاب / ۴۵) .

ج : سلام خطابي مسلمانان در نماز

تمامی مسلمانان در پایان نماز به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سلام می دهند ، اگر پیامبر خدا سلام آنها را نمی شنود ، پس این کار همه مسلمانان لغو است و اگر می شنوند ، پس قطعاً توسلات ما را نیز می شنوند و به آنها پاسخ می دهند .

د : تسلط عزرائیل بر تمام جانداران :

طبق روایات موجود ، عزرائیل در آن واحد می تواند جان همه خلایق را بگیرد . طبق روایات دیگر هر روز به تمامی خانه های روی زمین سر می زند و تمام عالم همانند طشتی در برابر او است و

إن الله موی الدنيا لملك الموت متى جعلها كالطست بين يدي أممكم فهل يفوته منها شيء.

الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۷۳، تفسیر الثعالبی، ج ۴، ص ۳۲۸، تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۶۶.

پاسخ تفصیلی :

پیامبران و ائمه اهل البیت علیهم السلام به اذن خداوند و قدرتی که باری تعالی به آن ها عطا فرموده ، حاجت مؤمنان را در هر جایی از عالم که درخواست کنند ، در همان لحظه می شنوند و اجابت می کنند . این مطلب با چندین دلیل قابل اثبات است :

الف : عرضه اعمال امت بر پیامبر :

طبق روایات صحیح السندی که از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده و در کتاب های اهل تسنن وجود دارد ، اعمال امت اسلامی همواره بر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم عرضه می شود و آن حضرت از تمامی اعمال ما آگاه است ؛ چنانچه نور الدین هیشمی در مجمع الزوائد می نویسد :

عن عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إن لله ملائكة سياحين يبلغون عن أممي السلام

قال وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ميأتي فير لكم تمدثون وتمدث لكم ووفاتي فير لكم تعرض علي

أعمالكم فما رأيت من فير ممدت الله عليه وما رأيت من شر استغفرت الله لكم .

مجمع الزوائد ، الهیثمی ، ج ۹ ص ۲۴ و الجامع الصغیر ، جلال الدین السیوطی ، ج ۱ ص ۵۸۲ و ...

پیامبر فرمود : خداوند فرشتگانی دارد که همیشه در مال سیر و گردش هستند و سلامها و دروهای امت مرا به

من می رسانند و در مدیته دیگر فرمود : زنده بودن من برای شما بهتر است . چون شما برای من سفن می گوئید

و من برای شما سفن می گویم . مرگ من هم برای شما مفید است ؛ چون اعمال شما بر من عرضه می شود

پس اگر اعمال شما نیکو بود ، خدا را شکر می گویم و اگر زشت بود ، از خدا برای شما تقاضای آمرزش می کنم .

هیثمی بعد از نقل روایت می گوید :

رواه البزار و رجاله رجال الصمیع .

و سیوطی بعد از نقل حدیث می گوید :

وأُفْرَجَ البِزَارُ بسند صَمِيعٍ من مَدِيْنَةِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ مثْلِهِ .

الخصائص الكبرى ، السيوطي ، ج ٢ ، ص ٤١٨ .

و نیز روایات صحیح السند فراوانی در کتاب‌های پیروان اهل بیت وجود دارد که ثابت می‌کند اعمال مسلمانان برای رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌شود . به دو روایت از کتاب بصائر الدرجات اشاره می‌کنیم :

يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاهِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ مَيَاتِي فَيُرُكُّكُمْ وَ مَمَاتِي فَيُرُكُّكُمْ قَالُوا أُمَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ عَرَفْنَا فَمَا فِي وَفَاتِكَ قَالَ أُمَّ مَيَاتِي فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَ أُمَّ وَفَاتِي فَتُعْرَضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ فَاسْتَغْفِرُ لَكُمْ .

بصائر الدرجات ، محمد بن الحسن الصفار ، ص ٤٦٥ .

امام صادق علیه السلام می فرماید : رسول خدا به یارانش فرمود : زندگی و مرگ من برای شما فیر است . گفتند : زنده بودن را می دانیم برای ما فیر و برکت است ؛ ولی مرگت را نمی فهمیم . فرمود : برکات میات و زنده بودن من برای شما را خداوند ترسیم فرموده است آنجا که می فرماید : تا زمانی که تو در بین مردم هستی و طلب آمرزش می کنی آنان را عذاب نمی‌کنم . و اما پس از مرگ من نیز اعمال شما بر من عرضه می شود برای شما تقاضای بخشش می‌کنم .

مدثنا السندي بن محمد بن عاصم بن ميميد عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لأصحابه مياتي فير لکم تمدثون و نمدت لکم و مماتي فیر لکم تعرض علی أعمالکم فإن رأيت مسنا جميلا ممدت الله علی ذلك و إن رأيت غير ذلك استغفرت الله لکم .

زنده بودن من برای شما خوب است ؛ چون برای شما مرف می‌زنم و مرگ من نیز چنین است چون پرونده اعمال شما را بر من عرضه کنند اگر در آن از اعمال نیک و شایسته فبری باشد ، خدا را ستایش می‌کنم و اگر غر از آن وجود داشت ، برای شما از خدا طلب آمرزش می‌کنم .

بصائر الدرجات ، محمد بن الحسن الصفار ، ص ٤٦٤ .

پیامبری که از اعمال همه امت باخبر باشد ، قطعاً از توسل آن‌ها نیز با خبر شده و جواب خواهد داد .

ب : پیامبر اسلام (ص) شاهد اعمال امت .

در قرآن کریم چندین آیه وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را «شاهد» معرفی می‌کند .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (الأمزاب / ۴۵) .

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده!

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا . (المزمل / ۱۵) .

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم! .

عینی در شرح صحیح بخاری در این باره می‌نویسد :

فسمی شاهدها لمشاهدته المال والمقیقه فكأنه الناظر بما شاهد ويشهد عليهم أيضا بالتبليغ وبأعمالهم من

طاعة ومعصية ، ويبين ما أرسل به إليهم ، وأصله الإخبار بما شهود

عمدة القاری ، العینی ، ج ۱۹ ص ۱۷۷ .

به رسولش لقب شاهد داده است ؛ زیرا اوضاع و احوال افراد را می‌بیند ؛ همانند کسی که حقیقتاً شاهد و

ناظر کوچکترین اعمال افراد از اطاعت و تفل است .

و مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد :

(يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا) * أي شاهدا على أمتك في ما يفعلونه من طاعة الله أو

معصيته أو إيمان به أو كفر ، لتشهد لهم يوم القيامة أو عليهم ، فأجازهم بمسبه .

التبيان ، الشيخ الطوسی ، ج ۸ ص ۳۴۹ .

یعنی تو را ناظر و آگاه بر اعمال امتت از بندگی و عصیان و ایمان و کفر قرار دادیم تا در قیامت به نفع و ضرر

آنان گواه و شاهد باشی .

و مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۱۴۳ سوره بقره (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شَهِيدًا) می‌نویسد :

شهادتی که در آیه آمده، خود یکی از حقایق قرآنی است که منحصرًا در اینجا ذکر نشده، بلکه در کلام خدای سبحان مکرر نامش برده شده، و از مواردی که ذکر شده بر می آید که معنایی غیر از این معنا دارد، اینک موارد قرآنی آن.

فَكَفَىٰ إِذَا جُنَّا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا، وَ مِنَّا بَكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا،

(پس چگونه اند، وقتی که ما از هر امتی شهیدی بیاوریم، و تو را هم شهید بر اینان بیاوریم)

(سوره نساء آیه ۴۱)

و يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا، ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

(و روزی که از هر امتی شهیدی مبعوث کنیم و دیگر بانان که کافر شدند اجازه داده نشود و عذرشان پذیرفته نشود)

(سوره نحل آیه ۸۴)

و وَضِعَ الْكِتَابُ وَ مِئَةٍ بِالنَّبِيِّينَ، وَ الشُّهَدَاءِ

(و کتاب را می گذارند، و انبیاء و شهداء را می آورند)

(سوره زمر آیه ۶۹)

به طوری که ملاحظه می کنید، در این آیات شهادت مطلق آمده، و از ظاهر همه مواردش بر می آید که منظور از شهادت، شهادت بر اعمال امتهای، و نیز بر تبلیغ رسالت است، هم چنان که آیه:

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ، وَ لَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

(سوگند که از مردمی که فرستادگان بسویشان گسیل شدند، و نیز از فرستادگان پرسش فوایم کرد)

(سوره اعراف آیه ۶)

نیز باین معنا اشاره می کند، چون هر چند که این پرسش در آخرت و در قیامت صورت می گیرد، ولی تحمل این شهادت در دنیا خواهد بود، هم چنان که این آیه از زبان عیسی (ع) نقل می کند:

وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي، كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ، وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.

(من تا در میانه آنان بودم، شاهد بر آنان بودم، ولی همین که مرا میراندی، دیگر فودت مراقب آنان بودی، و تو بر

هر چیزی شهید و مراقبی)

(سوره مائده آیه ۱۱۷)

و نیز آیه :

وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

(روز قیامت عیسی بر مردم خود گواه است)

(سوره نساء آیه ۱۵۹)

همین معنا را بدست میدهد.

واضح است که حواس عادی و معمولی ما و نیز قوای متعلق به آن حواس، تنها و تنها میتواند شکل ظاهری اعمال را ببیند، و گیرم که ما شاهد بر اعمال سایر امتها باشیم در صورتی که بسیاری از اعمال آنها در خلوت انجام میشود و تحمل شهادت ما از اعمال آنها تنها مربوط به ظاهر و موجود آن اعمال میشود، نه آنچه که برای حس ما معدوم، و غایب است، و حقایق و باطن اعمال، و معانی نفسانی از کفر و ایمان و فوز و خسران و بالأخره هر آنچه که از حس آدمی پنهان است، که راهی برای درک و احساس آن نیست احوالی درونی است، که مدار حساب و جزای رب العالمین در قیامت و روز بروز سریره‌ها بر آنست، هم چنان که خودش فرمود:

وَ لَٰكِن يُّؤَا فِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ

(فدا شما را بآنچه در دلهایتان پیدا شده مؤافذه می‌کند.)

(سوره بقره آیه ۲۲۵).

پس این احوال چیزی نیست که انسان بتواند آن را درک نموده، و بشمارد، و از انسانهای معاصر تشخیص دهد، تا چه رسد به انسانهای غایب، مگر کسی که خدا متولی امر او باشد، و بدست خود اینگونه اسرار را برای او کشف کند، که وجود چنین فردی از آیه (وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ، إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْمَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ، این خدایان دروغین که مشرکین بجای خدا میخوانند، مالک شفاعت نیستند، تنها مالک شفاعت کسی است که به حق شاهد باشد، و هم علم داشته باشند) (سوره زخرف آیه ۸۶) استفاده میشود که عیسی علیه السلام به طور قطع از این افراد است، که خدای تعالی در باره‌اش فرموده که از شهیدان است هم چنان که در دو آیه قبل گذشت، پس او شهید بحق است، و عالم به حقیقت.

و خلاصه کلام این شد که شهادت مورد نظر آیه، این نیست که بقول آن مفسر، امت دارای دینی کامل و جامع حوائج جسمانی و روحانی باشد، چون علاوه بر اینکه معنایی است خلاف ظاهر کلمه شهادت، خلاف ظاهر آیات شریفه قرآن نیز هست. بلکه عبارتست از تحمل، دیدن، حقایق اعمال، که مردم در دنیا انجام می‌دهند، چه آن حقیقت سعادت باشد چه شقاوت چه رد، و چه قبول، چه انقیاد، و چه تمرد.

و سپس در روز قیامت بر طبق آنچه دیده شهادت دهد، روزی که خدای تعالی از هر چیز استشهاد می‌کند، حتی از اعضاء بدن انسان شهادت می‌گیرد، روزی که رسول می‌گوید:

يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّفَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

(پروردگارا امت من این قرآن را مکتوب گذاشتند).

(سوره فرقان آیه ۳۰)

و معلوم است که چنین مقام کریمی شان همه امت نیست، چون کرامت خاصه ایست برای اولیاء طاهرین از ایشان، و اما صاحبان مرتبه پائین تر از اولیاء که مرتبه افراد عادی و مؤمنین متوسط در سعادت است، چنین شهادتی ندارند، تا چه رسد به افراد جلف و تو خالی، و از آن پائین تر، فرعونهای طاغی این امت، (که هیچ عاقلی جرأت نمی کند بگوید این طبقه از امت نیز مقام شهادت بر باطن اعمال مردم را دارا هستند). پس مراد از شهید بودن امت، این است که شهداء نامبرده و دارای آن خصوصیات، در این امت هستند، هم چنان که در قضیه تفضیل بنی اسرائیل بر عالمیان معنایش اینست که افرادی که بر همه عالمیان برتری دارند، در این امتند، نه اینکه تک تک بنی اسرائیلیان بر عالمیان برترند، بلکه وصف بعض را به کل نسبت داده، برای اینکه این بعض در آن کل هستند، و از آن جمعیتند، پس شهید بودن امت اسلام به همین معناست، که در این امت کسانی هستند که شاهد بر مردم باشند، و رسول، شاهد بر آنان باشد.

ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۴۸۳ - ۴۸۵.

و مرحوم کلینی رضوان الله علیه در کتاب کافی می نویسد :

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أُمِّدِ بْنِ مُمَمِّدٍ عَنِ الْمُسَيَّبِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَمِيٍّ الْمَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ
الْمَمِيدِ الطَّائِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، اَعْمَلُوا فَسَيَرَى
اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمُ الْإِئِمَّةُ .

يعقوب بن شعيب گوید : از امام صادق عليه السلام راجع به سخن خداوند عزوجل كه فرمود : « عمل كنيد كه

فدا و پيغمبر و مؤمنين كردار شما را مي بينند » پرسيدم ، فرمود : مؤمنين ائمه (عليهم السلام) هستند.

و در روايت ديگري نقل مي كند :

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ ذَكَرَ هَذِهِ آيَةَ، فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَ اللَّهُ عَلَىُّ بْنُ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

امام باقر (عليه السلام) اين آيه را : فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ را تلاوت كرد و فرمود : به خدا

سوگند كه آن مؤمن علي بن ابى طالب بود.

بنابراین ، وقتی رسول خدا و ائمه صلوات الله عليهم اجمعين شاهد بر اعمال ما هستند ، قطعاً توسل مردم را نیز می شنوند و به آنها پاسخ می دهند .

ج : پیامبر (ص) سلام همه نمازگذاران را می‌شنود :

یکی از واجبات نماز ، سلام دادن در پایان آن است . هر نمازگذاری در پایان آن می‌گوید :

السلام عليك ايها النبي ورحمت الله وبركاته .

ابن قدامه مقدسی حنبلی در این باره می‌نویسد :

ويتشهد فيقول : التحيات لله ، والصلوات والطيبات ، **السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته** ، السلام علينا و

على عباد الله الصالحين ، أشهد أن لا إله إلا الله ، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله ، وهو التشهد الذي علمه النبي

صلى الله عليه وسلم لعبد الله بن مسعود (رضي الله عنه) هذا التشهد هو المفتار عند إمامنا وعليه أكثر أهل

العلم من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم ومن بعدهم من التابعين قاله الترمذی وبه يقول الثوري وإسحاق و

أبو ثور وأصحاب الرأي وكثير من أهل المشرق.

المغنی ، ج ١ ، ص ٥٧٣ .

در تشهد باید گفت : التحيات لله ... السلام عليك ايها النبي و رحمت الله وبركاته ... این تشهدى است كه رسول

فدا (ص) به عبد الله بن مسعود آموزش داده است كه پیشوای ما نیز آن را برگزیده است و بیشتر علما و بزرگان

از اصحاب و تابعان نیز اینگونه تشهد خوانده و نقل کرده اند و به تبع آنان افرادی از قبیل ترمذی و ثوری و اسحاق

و ابو ثور و دیگران نیز آن را پذیرفته اند .

و هیأت افتاء عربستان سعودی در پاسخی پیرامون تشهد این چنین فتوی داده است :

صفة التشهد الذى كان يقوله رسول الله (ص) فى صلاته ويأمر أصحابه بها هى ما أفرجه الشيفان فى الصميمين

عن عبد الله بن مسعود (رضي الله عنه قال : علمنى رسول الله (ص) كفى بين كفيه كما يعلمنى السورة من

القرآن التحيات لله والصلوات والطيبات السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام علينا وعلى عباد

الله الصالحين أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

وهذا هو الأصح لأن النبي (ص) علمه أصحابه ولم يقل إذا مت فقولوا السلام على النبي . . وبالله التوفيق وصلی

الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم.

تشهد در نماز آنگونه که رسول خدا (ص) می‌گفته و یارانش را به آن دستور داده است به نقل بفاری و مسلم از عبد الله بن مسعود چنین است که گفت : دستم در دست رسول خدا بود همانگونه که سوره های قرآن را به من می‌آموزفت تشهد را نیز به من آموخت : التمیات لله و الصلوات و الطیبات السلام علیک ایها النبی و رممۀ الله وبرکاته.....

وسفن درست هم همین است : زیرا رسول خدا به یارانش همان گونه تعلیم داد و فرمود : که پس از مرگ من «السلام علی النبی» بگوئید .

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء ، ج ۷ ، ص ۷ ، الفتوی رقم ۶۰۳۵ .

جالب این است که هیأت افتاء ، در پاسخ به سؤالی در همین رابطه «السلام علی النبی» را مجزی ندانسته و سلام صحیح را سلام خطابی و به صورت «السلام علیک ایها النبی» لازم دانسته است :

فی التشهد ، هل یقول الإنسان السلام علیک ایها النبی أم یقول السلام علی النبی ؟ لأن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه قال كنا نقول قبل وفاة النبی (ص) السلام علیک ایها النبی وبعد موته صلى الله علیه وسلم كنا نقول السلام علی النبی ؟

در تشهد آیا گفتن السلام علی النبی کافی است ؟ زیرا عبد الله بن مسعود گفته است که قبل از وفات پیامبر می‌گفتم : السلام علیک ایها النبی و بعد از مرگ آن حضرت می‌گفتم : السلام علی النبی . در پاسخ این چنین فتوی داده‌اند :

الصمیع أن یقول المصلی فی التشهد السلام علیک ایها النبی ورممۀ الله وبرکاته ، لأن هذا هو الثابت فی الأحادیث وأما ما روی عن ابن مسعود رضی الله عنه فی ذلك إن صح عنه، فهو اجتهاد من فاعله لا یعارض به الأحادیث الثابتة ، ولو كان المکمل یختلف بعد وفاته عنه فی میاته لیینه لهم (ص) . وباللہ التوفیق وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم .

در تشهد درست آن است که نماز گذار بگوید : السلام علیک ایها النبی ورممۀ الله وبرکاته زیرا در احادیث این چنین است . و آنچه که از ابن مسعود نقل شده است اگر درست هم باشد یک نوع اجتهاد است که با

اهدایت تعارض نخواهد داشت . و اگر بنا بود کلمات تشهد در زمان میات و پس از میات (رسول فدا (ص) با

هم فرق داشته باشند باید شفص (رسول بیان می‌کرد).

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۷، ص ۸، الفتوی رقم ۸۵۷۱ .

حال با توجه به توضیحات بالا ، اگر بگوییم که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در همان لحظه سلام آنها را نمی‌شنود و جواب نمی‌دهد ، لازمه اش این است که سلام دادن لغو و عبث خواهد بود . قطعاً کسی چنین مطلبی را نخواهد پذیرفت . پس قطعاً رسول خدا صلی الله علیه وآله ، سلام میلیون‌ها نمازگذار را از هر نقطه از جهان شنیده و در همان لحظه جواب آنها را نیز خواهد داد پیامبری که چنین قدرتی داشته باشد که در یک لحظه سلام میلیون‌ها نفر را شنیده و در همان لحظه جواب آنها را بدهد ، قطعاً توسلات مردم را نیز از هر نقطه‌ای از جهان باشد ، شنیده و در همان لحظه اجابت خواهد کرد .

د : قدرت پیامبر (ص) بالاتر از قدرت عزرائیل :

تمامی مسلمین اتفاق دارند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم برترین مخلوق خداوند و حتی از جبرئیل ، عزرائیل و دیگر ملائکه نیز برتر است . از طرف دیگر می‌دانیم که عزرائیل که همان ملک الموت باشد ، در هر آن می‌تواند با اجازه خداوند جان همه مردم را بگیرد ، فرقی نمی‌کند که در شرق باشد یا در غرب .

عزرائیل برشرق و غرب عالم احاطه دارد :

سیوطی در تفسیرش می‌نویسد :

أخرج ابن أبي الدنيا في ذكر الموت و ابن أبي ماتم و أبو الشيخ في العظمة عن ابن عباس رضي الله عنهما

انه سئل عن نفسين اتفق موتهما في طرفه عين و امد في المشرق و امد في المغرب كيف قدرة ملك

الموت عليهما قال ما قدرة ملك الموت على أهل المشرق والمغرب والظلمات والهواء واليمور إلا كرجل بين

يديه مائدة يتناول من أيها شاء.

از ابن عباس از مرگ دو نفر همزمان در شرق و غرب عالم سؤال شد که چگونه این توانائی را ملک الموت دارد؟

در پاسخ گفت : قدرت و تسلط ملک الموت بر شرق و غرب عالم همانند تسلط کسی است که بر سفره ای

نشسته باشد و از هر جای این سفره که بخواهد بر می‌دارد.

الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۷۲ ، ۱۷۳ .

جهان ، همچون طشتی در منظر ملک الموت :

همچنین سیوطی در تفسیرش می‌نویسد :

وأخرج ابن أبي حاتم عن زهير بن محمد رضى الله عنه قال قيل يا رسول الله ملك الموت وامد والزمفان يلتقيان من المشرق والمغرب وما بينهما من السقط والهلاك فقال إن الله موى الدنيا لملك الموت متى جعلها كالطست بين يدي أمدكم فهل يفوته منها شيء.

از رسول خدا(ص) سؤال شد : ملک الموت یک نفر بیشتر نیست و از طرفی امکان دارد گروه هایی در شرق و غرب عالم با یکدیگر بجنگند و افرادی ازطرفین هلاک و نابود شوند آیا امکان دارد عزرائیل در آن وامد همه جا باشد ؟ فرمود: خداوند دنیا را برای ملک الموت به اندازه طشتی قرار داده است ، آیا با این مساب پیزی از

نگاهش مخفی می ماند ؟

الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۱۷۳ و تفسیر الثعالبی ، ج ۴ ، ص ۳۲۸ و تفسیر ابن کثیر ، ج ۳ ، ص ۴۶۶ .

خانه ای در جهان نیست که ملک الموت هر روز به آن سر نزند :

ابن کثیر دمشقی در تفسیرش می‌نویسد :

عن جعفر بن محمد قال سمعت أبا يعقوب : نظر رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى ملك الموت عند رأس رجل من الأنصار فقال له النبي صلى الله عليه وسلم يا ملك الموت أرفق بصامبي فإنه مؤمن.

فقال ملك الموت : يا محمد طب نفسا وقر عينا فإنى بكل مؤمن رفيق واعلم أن ما فى الأرض بيت مدر ولا شعر فى بر ولا بمر إلا وأنا أتعفهم فى كل يوم خمس مرات متى أنى

أعرف بصغيرهم وكبيرهم منهم بأنفسهم والله يا محمد لو أنى أردت أن أقبض روح بعوضه ما قدرت على ذلك متى يكون الله هو الأمر بقبضها

امام صادق از پدرش امام باقر (علیهما السلام) نقل می کند که فرمود : رسول خدا (صلی الله علیه وآله و

سلم) عزرائیل را بالای سر یکی از انصار مشاهده نمود فرمود : ای ملک الموت با دوست و یاور من مهربان باش .

ملک الموت گفت : ای محمد خیالت رامت باشد که من با همه مومنان مهربانم . و بدان که من هر روز پنج

مرتبه همه فانه ها را جستجو می کنم . کوچک و بزرگ را می شناسم.

و بدان که من بر قبض روح پشاهای بدون اذن و اراده خداوند قدرت ندارم .

تفسیر ابن کثیر ، ج ۳ ، ص ۴۶۶ .

ارواح همه عالمیان در میان دو انگشت عزرائیل :

سیوطی در تفسیرش می نویسد :

وأخرج ابن أبي الدنيا وأبو الشيخ في العظمة عن أشعث بن شعيب رضي الله عنه قال سأل إبراهيم عليه

السلام ملك الموت واسمه عزرائيل وله عينان في وجهه وعين في قفاه فقال يا ملك الموت ما تصنع إذا

كانت نفس بالمشرق ونفس بالمغرب ووضع الوباء بأرض والتقى الزمفان كيف تصنع قال أدعو الأرواح بإذن

الله فتكون بين أصبعي هاتين.

ابراهیم پیامبر خدا از عزرائیل پرسید : اگر فرمان قبض روح انسانی در شرق و از دیگری در غرب عالم در یک

لمظه صادر شود و گروه هایی با یکدیگر وارد جنگ شوند و بیماری وبا سرزمینی را فرا گرفته باشد تو چکار میکنی ؟

گفت : به اذن پروردگار روح همه را فرا می فوانم تا بین دو انگشت من قرار بگیرند.

الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۱۷۳ .

نتیجه :

خداوندی که تمام جهان و جهانیان را با همه وسعت و عظمت و بزرگی که دارد در منظر و مقابل چشم عزرائیل قرار می دهد و این توانائی را به وی داده است ، به پیامبران و ائمه علیهم السلام نیز می تواند همان قدرت را بدهد .

و نیز وقتی عزرائیل چنین قدرتی داشته باشد ، رسول خدا که برتر از او است ، قطعاً قدرت دارد که توسلات مؤمنان را بشنود و در همان حال به آنها پاسخ دهد . وائمه اهل بیت علیهم السلام هم که جانشینان آن گرامی هستند ، قطعاً دارای چنین قدرتی هستند .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)